

آیا آقایان برای این سؤال، جوابی در نظر گرفته‌اند؟!

در نجف بعضی‌ها خیال داشتند روشی اتخاذ کنند به عنوان ملاحظه سلسله مراتب مراجع عالیقدر شیعه تا به این بهانه موقعیت و حیثیت اجتماعی امام را نادیده بگیرند. این امر به دوستان خیلی گران آمد. بنده با دو نفر مأمور شدیم از طرف کلیه دوستان، خدمت امام برسیم و عرض کنیم که چنین مطلبی هست. من چون در صحبت کردن صریح‌تر بودم به امام عرض کردم که هر محیطی آداب و رسومی دارد و ظاهراً رسوم اشکال شرعی نداشته باشد و موقعیت حضرتعالی طوری است که شما برای عامه مسلمین هستید و این موقعیت باید برای اسلام حفظ شود و آقایان با آن برنامه‌ای که دارند می‌خواهند این موقعیت شما را نادیده بگیرند؛ یا خدای نخواست به خیال خودشان هتک حرمت شما کنند، لذا ما از شما خواهش می‌کنیم براساس آداب و رسوم حاکم در این محیط، برنامه آقایان را نپذیرید. سخنان ما که تمام شد ایشان یک قصه‌ای نقل کردند که ما در مقابل عظمت روحی ایشان احساس حقارت و شرمساری کردیم. امام فرمودند: «در گذشته که برق نبود و کوچه‌ها تاریک بود، یکی از آقایان به جایی می‌رفت و طبق مرسوم شخصی هم جلوی ایشان فانوس به دست گرفته بود. او اتفاقاً عازم مجلسی بود که یک آقای دیگری هم عازم آن مجلس بود. در راه که برخورد کردند، این آقا یک مقدار از آن دیگری فاصله گرفت تا معلوم شود که ایشان یک تشکیلات جدا و یک فانوس‌کش مخصوص دارد و می‌خواست که موقعیتش شناخته شود.» امام پس از نقل این داستان فرمودند: «اگر روز قیامت ما را در محضر رسول‌الله (ص) به صف وادارند و از این چیزها از ما سؤال کنند، آیا آقایان برای این سؤال، جوابی در نظر گرفته‌اند که مثلاً این جلوتر باشد آن عقب‌تر باشد، این زودتر باشد آن دیرتر باشد؟ این اعتباریاتی که آقایان در نظر می‌گیرند اگر در آن صف، حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) از ما سؤال کردند آیا جوابی داریم بگوییم؟ سپس فرمودند «به آن برنامه‌ای که آنها تهیه کرده‌اند عمل کنید.»

[برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، ج ۳، حجه الاسلام قدیری، ص ۲۳۵]

سراسر عالم، سپاه و ستاد خدا هستند

حضرت امیر (علیه السلام) (در خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه) فرمود: جَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ ... وَ خَلَوَاتُكُمْ عِيَانُهُ؛ خدا اگر کسی را خواست بگیرد، از جای دیگر لشکر نمی‌آورد. اعضا و جوارح خود انسان سربازان خدا هستند؛ حرفی می‌زند رسوا می‌شود، جایی را امضا می‌کند رسوا می‌شود، جایی نباید برود رسوا می‌شود. این طور نیست که اگر خدا خواست کسی را بگیرد از جای دیگر بگیرد! همیشه نظیر طیر ابابیل نیست که برای ابرهه و خاتمه دادن آنها بیاید، گاهی با دست خود آدم، آدم را می‌گیرد، گاهی با زبان آدم، آدم را می‌گیرد. فرمود: این طور نیست که خدا از جای دیگر لشکر کشی بکند. «جَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ»؛ یعنی اگر خدا در قرآن فرمود: «اللَّهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»؛ سراسر عالم، سپاه و ستاد خدا هستند، این چنین نیست که آسمان و زمین و ملائکه و ابرهه و طیر ابابیل و آنها سپاه و ستاد باشند تا کسی را بگیرند، بلکه با چشم او، با زبان او، با امضای او، با پای او می‌گیرد، جایی می‌رود رسوا می‌شود، جایی را امضا می‌کند رسوا می‌شود، با یک رومی‌زی، زیر میزی و اختلاس رسوا می‌شود.

[بیانات آیت الله جوادی آملی در دیدار با جمعی از دانشجویان مورخ ۹۶/۱۱/۲۶]

تنها نسخه ی آرام بخش!

هیچ دلیلی در دنیا نمی‌توانست این همه وحشیگری و رذالت را توجیه کند، چه گناهی می‌توانست چنین مجازاتی در پی داشته باشد. با این همه دنائت و سببیت (پستی و درندگی) دشمن، زنده و سالم بودن ما یک معجزه بود. این صحنه‌ها پرده از بسیاری از سئوالات ما که اصلاً این‌جا کجاست؟ این‌ها کی هستند؟ و ما چه می‌شویم؟ برداشت. شاید ما هم در نوبت مرگ ایستاده بودیم. ... اینجا هیچ کس نمی‌تواند از سرنوشت تلخ خود بگریزد. هر شب فکر می‌کردم این سخت‌ترین شبی بود که گذشت اما دیگر سختی از اندازه رد شده بود. دلم می‌خواست چشمانم را همان‌جا بگذارم تا شاید آنچه دیده‌ام از (شکنجه‌های) از من دور شود و فراموش کنم اما هر چه می‌گذشت، اوضاع از شب پیش سخت‌تر می‌شد. از خدا طلب صبر می‌کردم. صبری جمیل؛ صبری که فقط خریدارش خداست و این تنها نسخه ی آرام بخش بود و در تمام لحظات آیه «استَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالْمُحَافَظَةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» را می‌خواندم و امیدوار به لطف خدا سختی‌ها را از سر می‌گذراندم.

[معصومه آباد، من زنده‌ام (خاطرات دوران اسارت)، چاپ دویست و پنجم، ۱۳۹۵، ص ۲۵۸]



سوال: آیا رقم‌بیدن در جشن عروسی فرزندان جایز است هرچند توسط پدران یا مادران در مجالس عروسی فرزندان‌شان باشد؟

سوال

جواب: اگر از نوع رقم‌حرام باشد، حرام است. هرچند توسط پدران و مادران در مجالس عروسی فرزندان‌شان باشد.

جواب

(استفتائات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای در سایت معظم له به آدرس: leader.ir)